

عنوان مقاله:

در این کهنه محراب فردوسی و نقد سیاست های ساسانی و غزنوی در سایه چرخش شخصیت گشتاسب در شاهنامه

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب حماسی، دوره 7، شماره 11 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 37

نویسنده:

حمیدرضا اردستانی رستمی - دانش آموخته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانش گاه آزاد اسلامی واحد دزفول،
ایران.

خلاصه مقاله:

یکی از شخصیت هایی که حضور او در شاه نامه، وقایعی دردناک را می آفریند، گشتاسب است. چهره این شاه کیانی در شاه نامه، متفاوت از آن چیزی است که در متون دینی اعم از اوستا و پهلوی نقش شده است. او در شاه نامه پادشاهی کوتاه اندیش، آزرز، پیمان شکن و خودپرست است؛ در حالی که در اوستا و متون پهلوی از تقدس بسیار برخوردار است. شاید در ذهن خواننده شاه نامه این پرسش پیش آید: مگر نه این که فردوسی، بنابر تاکید بسیار خود در اثرش، به منابع مورد استفاده اش پای بند بوده، پس چگونه این چرخش شخصیتی در شاه نامه پدیدار شده است؟ این نوشتار بر آن است تا به علل و عوامل این دگرگونی پاسخ دهد. شاید بتوان چنین پنداشت که یکی از عوامل تغییر شخصیت گشتاسب، مبارزه فردوسی و دیگر ایران دوستان هم فکر او، با حکام عصر، اعم از ترک و تازی باشد. به دیگر سخن، تغییر شخصیت گشتاسب، حاصل اهداف سیاسی شاعر و راویانی بوده است که روایت هایی را برخلاف متون دینی زردشتی انتشار داده بودند، چه با گردش شخصیت گشتاسب که ساسانیان خود را بدو منسوب می کردند، حکومت ساسانی و شیوه حکم رانی آن ها مورد نقد قرار می گرفت؛ یعنی حکومتی که محمود غزنوی مدعی پیوند با آن بود؛ که البته در نوع شکل گیری و زمان سیطره شباهت هایی بسیار به شیوه حکم رانی ساسانیان دارد. بنابراین شاعر، چهره حقیقی سلطنت ترکان و تازیان را که طریق حکومت ساسانی را می پیمودند و به استبداد دینی و تمرکز قدرت روی آورده بودند، آشکار می کند. فردوسی و راویان هم فکر او با چرخش احوال گشتاسب، قصد مبارزه با همه کسانی را داشتند که هم چون او می اندیشیدند و می گفتند و عمل می کردند

کلمات کلیدی:

گشتاسب اسفندیار ساسانیان غزنویان استبداد دین و تعصب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1541842>

